



دکتر علیرضا قائمی نیا
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

ما در تفسیر اجتماعی قرآن کریم به دنبال کاربرست قرآن در حل مسائل اجتماعی هستیم. لذا کاربردی سازی کتاب خدا در زندگی اجتماعی، مهم ترین دغدغه ما در این بحث است. کاربردی سازی، موضوعی مهم در روزگار ما محسوب می شودکه پیوسته به آن اشاره شده است اما اینکه بخواهیم به شکل عملی، راهکاری برای آن بدهیم، بحث چندان متداولی نبوده است. آنچه قرآن پژوهان سنتی در تفسیر اجتماعی دنبال کرده اند، بازگشت به قرآن بوده است؛ یعنی معتقد بودند علت عقب ماندگی مسلمانان، این است که به مضامین قرآن عمل نکرده اند. لذا باید دنبال مضامین اصلی آن بروند و از آن بهره ببرند.

تفسیر هرمنوتیکی نصر حامد ابوزید و فضل الرحمان از قرآن
نکته دیگر این است که آیا می توانیم صرفا با بازگشت به قرآن به راهکارهای عملیاتی برای خودمان دست پیدا کنیم؟ آیا این نگاه، ما را با نگاه گرایش هایی همانند سلفی روبه رو نمی کند؟ سلفی ها می خواهند قرآن را عینا براساس نصوص آن اجرا کنند، بنابراین مسائلی همانند قصاص، برخورد با پوشش زنان و... را مبتنی بر گزاره های قرآن و سنت مدنظر می دانند. وقتی یک آیه، شان نزول خاص و مشخصی دارد، ما چند نمونه را می توانیم شناسایی کنیم که یک حکم کلی و بدون تاریخ را برای آن ها از قرآن پیدا کنیم؟ بنده سراغ قرآن پژوهانی رفتم که رویکرد هرمنوتیکی داشتند و تلاش کردند براساس دیدگاه هایی که در هرمنوتیک وجود دارد، راهکاری برای این موضوع پیشنهاد دهند.

یکی از این افراد، نصر حامد ابوزید است. وی تمایز بین معنا و مغزی را از هرمنوتیک اقتباس کرده است و از نظر او این دو مفهوم، تمایز زیادی دارند؛ زیرا معنا از ساختار زبانی استخراج می شود و مغزی نیز مفاد و محتوا یعنی آن معنایی از عبارت است که جنبه عصری پیدا می کند، بنابراین مغزی جنبه عصری آیات قرآن است، لذا باید توجه کنیم که آیات نیز دو معنای بافتارمند و عصری دارند. اندیشمند دیگر فضل الرحمان است که در فضای قرآن پژوهشی، گرایش اصلاح گرانه دارد و نظریه «هرمنوتیکی دوحرکتی» را مطرح می کند که از امثال «ویلهم دیلتای»، اقتباس شده است.

اهمیت زمینه مندسازی در مطالعات قرآنی

فضل الرحمان معتقد است وقتی پای یک گزاره روبه رومی شویم، باید دو کار انجام دهیم و اول، از عصر حاضر به سمت عصر نزول و دوم، از عصر نزول به سمت دوران حاضر حرکت کنیم. فضل الرحمان می گوید، سلفی ها می خواهند به آن دوران برگردند و در همان زمان باقی بمانند، اما براساس نگاه هرمنوتیکی، باید برویم و برگردیم تا برای ما اجرایی شدن باشد و این نکته مهمی است که از نگاه بنیادگراها فراموش شده است، لذا چون یک فاصله زمانی پانزده قرنیه و حتی فاصله مکانی از نظر اقلیم و جغرافیا داریم، باید فواصل فرهنگی و زمانی را درنظر بگیریم، در غیر این صورت نمی توانیم به خوبی به گزاره ها عمل کنیم، وگرنه با مشکلات بسیاری مواجه می شویم. در حرکت دوم، باید برای استخراج گزاره تعمیم یافته، مطابق شرایط کنونی و مسائل روز اقدام کنیم. پیشنهاد بنده برای این فرایند این است که باید زمینه مندسازی رخ دهد؛ یعنی اول، آیه را مطابق بافت زمان نزول درک کنیم و سپس بافت را از گزاره جدا کنیم. درگام دیگر، باید آن مفهوم بدون بافت را با بافت دوره خودمان، مطابق کنیم و در پایان، مفهوم شناسی رخ بدهد. اگر این گام ها را برداریم، موفق می شویم به یک مفهوم قابل استفاده و مطابق شرایط اجتماعی خودمان دست باییم.

لوازم اجرای معنای آیات در متن اجتماع

در آیه ۳ سوره نسا آمده است: «وَإِنْ جُفَّتْ أَلْ تُشْطَلُوا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنِي وَكَلَاث وَتَرَاغ فَإِنْ جُفَّتْ أَلْ تَدْعُلُوا فَوَاجِدَهْ أَوْ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانَكُمْ ذَلِك أَدْنَى أَلْ تَكُولُوا، و اگر بترسیده که مباد درباره یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) مراعات عدل نکنید، پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآورید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است، دو پایسه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسیده که چون زنان متعدد (گیرید) راه عدالت نیمپایید و به آن ها ستم کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید یا چنانچه کنیزی دارید، به آن اکتفا کنید که این نزدیک تر به عدالت و ترک ستمکاری است.».

وقتی این آیه را در بافت دوره خودش مدنظر قرار می دهیم، به این نتیجه می رسیم که تأکید آن بر یتیمان است، چون در جنگ هایی که در صدر اسلام رخ می داد، برخی افراد کشته می شدند و دخترانی داشتند که باید افرادی، آن ها را سرپرستی می کردند و هزینه آن را از ارثی که به آن ها رسیده بود، تأمین می کردند. در اینجا ممکن بود بی عدالتی صورت گرفته و ارث آن ها برده شود و در جامعه رها شوند، بنابراین راهکار ازدواج با آن ها بیابان شده است تا هم از ارث بهره مند شوند و هم نفقه داشته باشند، لذا عدالت به اشکال گوناگون محقق می شود.

این سازوکار سرپرستی ایتام، مفهوم بافت زدایی شده ما از آیه است. اینکه در ۱۴۰۰ سال پیش سیستمی طراحی می شود تا دخترانی که یتیم می شوند، کمترین بی عدالتی در حقشان رخ دهد، نشان دهنده قانونی متعالی در آن عصر است اما امروز با توجه به سیستم های که برای سرپرستی ایتام وجود دارد، نیازی به چنین کاری نیست، بنابراین مغزای اصلی آیه که سازوکار سرپرستی ایتام است، حفظ می شود اما بافت آیه که بحث تعدد زوجات است، کنار گذاشته می شود و به سیستمی برای سرپرستی ایتام در جامعه در حالت تعمیم یافته می رسیم. در این قرآن نیز باید گفت وقتی در میان اعراب کسی کشته می شد، تلاش می کردند تا حد امکان از قبيله مقابل را بکشند، لذا مقابله به مثل می شد و ده ها و هزاران نفر کشته می شدند، بنابراین قرآن بر قصاص تأکید می کند تا فقط فرد قاتل کشته شود و غیر از او نمی توان کسی را کشت. در این نگاه، حیات کاملا معنادار می شود و وقتی بافت را بررسی می کنیم، می بینیم که برجسته سازی بر روی حیات افراد است نه کشتن آن ها. به عنوان نتیجه بحث معتقدم اگر می خواهیم آیات را در اجتماع مبتنی بر مسائل روز اجرا کنیم و با کمترین چالش روبه رو باشیم، لازم است گام هایی را که اشاره شد، برداریم؛ در غیر این صورت امکان اجرای آیات در متن جامعه در شرایط کنونی بسیار سخت خواهد شد.

دکتر علیرضا قائمی نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

از مؤلفه های هرمنوتیک در فهم متون دینی می گوید

فهم هرمنوتیکی متن مقدس

حسینی نژاد

وقتی «نسانس» شکل گرفت و پروتستان از کاتولیک جدا شد، یکی از اختلافات این بود که پروتستان ها می گفتند: چرا باید «مدالیت» خاصی باشد که به تفسیر متون دینی بپردازد؟ و چرا باید بین خدا و مردم، عده ای خاص فاصله شوند؟ هرکسی باید خودش بتواند با خدا ارتباط برقرار کند و کتاب مقدس را بخواند و معنا کند، به همین دلیل می شود گفت که به تعداد کلیساهای پروتستان، پروتستان وجود دارد، یعنی هر کلیسا یک مذهب است.

هنگامی که این اتفاق افتاد و نوعی هرج و مرج تفسیری به وجود آمد، «هرمنوتیک» از تفسیر متن به روش شناسی تفسیر متن مقدس تغییر کرد؛ به این معنی که با چه روشی باید متن مقدس را تفسیر کنیم؟ زیرا نمی توان پذیرفت که هرج و مرج در تفسیر صورت گیرد؛ چون به هر حال نویسندگان کتاب مقدس (حواریون یا شبه حواریون) حتما می خواستند با نوشتن کتاب مقدس، حقیقتی را به ما منتقل کنند و نمی خواستند هرگونه دل خواه ماست، کتاب مقدس را معنا کنیم، از این رو بحث روش شناسی متون مقدس مطرح شد. در دهه ۷۰ خورشیدی برخی روش فکران بر آن شدند تا از مؤلفه های هرمنوتیک برای فهم قرآن کریم بهره ببرند. برداشت های آن ها از مفهوم هرمنوتیک و فهمشان از قرآن، باعث ایجاد اختلاف نظر های شدیدی میان صاحب نظران شد. از این رو برخی به کلی این روش را بری فهم متون دینی، درست و کامل نمی دانستند. دکتر علیرضا قائمی نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، یکی از پژوهشگرانی است که سال ها در این حوزه اندیشیده و قلم زده است. در این گفت وگو، او مؤلفه های هرمنوتیک و سازوکار های آن را برای فهم قرآن، بررسی کرده است.

● **یکی از مباحثی که به تازگی درباره تفسیر مطرح شده است، بحث زبان قرآن و در پی آن، مباحث ارتباط قرآن و هرمنوتیک است. پرسش اول، این است که زبان قرآن در اصطلاح چه معنایی دارد؟**

بحث زبان قرآن در موازات بحث زبان دین پیدا شد. بحث زبان دین را بحث کاملا بجایی می دانم که از مباحث فلسفه دین است. در این فلسفه، بحث بر سر این است که زبان دین چه ویژگی هایی دارد و چه نوع زبانی است؟ آیا زبانی نمادین است یا شناختی؟ آیا خود واقعیت را نشان می دهد یا در آن دست می برد؟ پرسش هایی از این قبیل. در بحث زبان دین مطرح است و فیلسوفان دین، دیدگاه های مختلفی درباره آن مطرح کرده اند. شاید بتوانیم بگوییم مهم ترین عامل پیدایش بحث زبان دین در حوزه فلسفه دین، ظهور پوزیتیویسم منطقی بود. پوزیتیویسم های منطقی، زبان دین را بی معنا می دانستند و می گفتند زبان تجربی و علوم تجربی و گزاره های تجربی معنا دارند. اما گزاره های متافیزیکی، اخلاقی، عرفانی و دینی بی معنا بند. پوزیتیویسم منطقی در دهه ۱۹۲۰ ظهور کرد. اما دارا دامه به شدت نقد شد. بعد از آن، بحث معناداری مطرح شد، اینکه آیا دین معنا دارد یا نه. اصطلاح زبان دین، ابهاماتی دارد. گاهی منظور از زبان دین، زبان متون اولیه یک دین است. برپایه این برداشت، مثلا در اسلام، زبان کتاب و سنت و روایات، زبان دین است. این ها متون اولیه و اصلی اند. حال پرسش این است که زبان این متون چگونه است. گاهی منظور از زبان دین، زبان ثانویه دین است؛ یعنی آن شرح ها و تبیین هایی که بر متن اصلی نوشته شده اند و گاهی هم زبان دین داران است. فیلسوفان دین، نکات مختلفی درباره این سه حالت گفته اند.

● **یعنی نوعی نسبیت گرایی است؟**

بله. نسبیت گرایی اقسام فراوانی دارد که همه آن ها باطل نیستند، بلکه بعضی از آن ها باطل اند. هرمنوتیک فلسفی

دانش فهم است و درباره این موضوع بحث می کند که آیا فهم امکان پذیر است یا خیر و اگر امکان پذیر است، تحت چه شرایطی رخ می دهد. آیا روشمند است یا نه؟ آیا پیش فهم ها و پیش فرض های مفسران بر فهم تأثیر می گذارند؟ دایره و حدود تأثیر پیش فهم ها و پیش فرض ها تا کجاست؟ آیا روشی برای خلاصی یافتن از این پیش فرض ها و پیش فهم ها وجود دارد یا خیر؟

این قبیل بحث ها از زمان کانت به بعد، در فلسفه غرب مطرح شده است. در قرون جدید، کانت این پرسش را مطرح کرد که معرفت فلسفی تحت چه شرایطی امکان پذیر است؛ مثلا می گویند معرفت فیزیکی تحت چه شرایطی امکان پذیر است. این قبیل پرسش ها را پرسش های استعلایی

می گویند. پرسش های استعلایی، پرسش هایی هستند که از امکان و از شرایط امکانی چیزی پرسش می کنند؛ مثلا معرفت اخلاقی تحت چه شرایطی امکان پذیر است. چنین پرسشی یک پرسش استعلایی است که در حوزه اخلاق مطرح می شود. پرسش های استعلایی در فلسفه قدیم مطرح نبودند، اما با توجه به تغییر ذائقه فلسفی عصر جدید، با پرسش های استعلایی روبه رو هستیم. در هرمنوتیک هم همین بحث مطرح است. در آنجا گفته می شود که فهم تحت چه شرایطی امکان پذیر است. مباحث هرمنوتیک روشی فراوان در علوم اسلامی به چشم می خورد که آنجا درباره روش فهم متن، بحث می شود. نوع پرسش های هرمنوتیک فلسفی، به این صورت برای فلاسفه و علمای اسلامی مطرح نبوده است. نکته دیگر این است که در ایران، قرائت نادرستی از هرمنوتیک فلسفی رواج یافته است و برای این مطلب دلایلی دارم.

● **منظور شما آثاری است که در دهه ۷۰ توسط برخی از روشن فکران با روش هرمنوتیکی برای فهم متون دینی منتشر شد. چرا شما قرائت هرمنوتیکی که آنان ارائه کردند، را ناصواب می دانید؟**

این درست است که هرمنوتیک فلسفی می گوید پیش فرض ها و پیش فهم ها تأثیر گذارند. اما حرف های دیگری هم گفته است. باید آن ها را به این ها ضمیمه بکنیم. درباره این موضوع بحث شده است که این پیش فرض ها و پیش فهم ها از کجا می آیند. گادامر هم بحث تردیشن و سنت را مطرح می کند و می گوید فرض کنید می خواهید متنی مثل بوستان سعدی را بخوانید و بفهمید. در طول تاریخ، تفسیری بر این متن نوشته اند. این شرح و تفسیرها، سنتی حاکم بر فهم متن را تشکیل می دهند. گرچه آن را قبول ندارم. تأکید می کنم که باید وارد فضای فکری آنان شویم. مفهوم سنت که گادامر می گوید، به یک معنا با این مفهوم بر ذهنیت گرایی غلبه می کند. او می گوید این تفاسیر، پیش فهم ها و پیش فرض ها برآمده از ذهن خواننده نیستند، بلکه برآمده از سنت اند.

● **شما از هرمنوتیک روشی سخن گفتید؛ ماهیت هرمنوتیک روشی و افتراقات آن با هرمنوتیک فلسفی چیست؟**

هرمنوتیک روشی تقریبا از عصر رمانتیسم مطرح شد و در ادامه، سرعت مطرح شدن مباحث آن بسیار



دکتر علیرضا قائمی نیا؛
هرمنوتیک فلسفی،
اصول کاربردی به شما
نمی دهد؛ چون بحث
فلسفی است. در آنجا
مبانی فلسفی مشخص
می شوند؛ مثل اینکه آیا
معنای متن، متغیر است
یا نامتغیر؛ یعنی فارغ
از مخاطبان، آیا معنای
متن مشخص است یا
نه، بنابراین بحث های
این هرمنوتیک می تواند
مبانی هرمنوتیکی فهم
متون باشد

«قرآن الزعفرانی» با ترجمه ای کهن به فارسی

حواشی نسخه، می توان دریافت که در سال ۱۳۳۷ قمری (۱۲۹۷ شمسی)، این نسخه در حوالی کرمان بوده است. قرآن زعفرانی در دهه ۱۲۵۰ شمسی خریداری شد و به موزه عباسی راه یافت. از آن زمان تاکنون، این نسخه و اهمیتش به درستی شناخته نشده بود.

سورآبادی تأثیر فراوانی گرفته و این متن را نزدیک پنجاه سال پس از درگذشت سورآبادی (د. ۴۹۶ هجری) نوشته است. تا این زمان به درستی معلوم نیست که نسخه قرآن زعفرانی از قرن ششم هجری تاکنون چه سرگذشتی داشته است، اما بنا به برخی یادداشت های موجود در

است که در سال ۵۴۶ قمری، کاتب ابو الفخر بن ابی الفضل الزعفرانی آن را کتابت کرده است. قرآن زعفرانی، کهن ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ دار و حاوی ترجمه فارسی است. مترجم فارسی قرآن در این نسخه را به درستی نمی شناسیم، اما می دانیم که از تفسیر

نسخه شماره ۵۵۱ در موزه رضا عباسی، یکی از نسخه های مهم قرآنی همراه با ترجمه فارسی از قرن ششم است که تاکنون توجه محققان و نسخه پژوهان را به خود جلب نکرده است. این اثر ارزشمند، نسخه کاملی از قرآن کریم همراه برگردان فارسی



به روایت

استاد

هرمنوتیک بلاغی در سده های نخست

تا حد امکان رها شود و قالب و خطکش نیز به کناری گذاشته شود. با توجه به همان فضا و همان زیست بوم اندیشگانی، تلاش شده است شخصیت عبدالقاهر از زوایای مختلف، شناسانده و بررسی شود. در نگاه تطبیقی، بخش هایی از نظریه هایی مطرح شده است که با آرای جرجانی، تناسب و نزدیکی جهت دار داشته باشند و از گفت وگو درمورد زوایای مختلف ظریبات معاصر پرہیز شده است؛ مگر درباره هرمنوتیک مدرن که بنابه اهمیت این روش مندی در آرای جرجانی، با گستره بیشتری بازخوانی شده است. کتاب «اسیمه های معنا: بررسی دیدگاه های عبدالقاهر جرجانی پیرامون زبان، نظریه ادبی و هرمنوتیک»، نوشته علی جهانگیری، رانشر نقره در سال ۱۴۰۰ منتشر کرد.

دیدگاه های این دانشمند بزرگ ایرانی درباره زبان، متنتی، زیبایی شناسی و همچنین نگاه تطبیقی در طرح نظریه هنری، در حد امکان بررسی شده و از این ها فراشده ی به دیدگاه هرمنوتیکی او و نگاه وی به چهره های بی نهایت معنا و فرامعنا شده است. در این کتاب، تلاش شده است دیدگاه های عبدالقاهر درباره زبان به عنوان نطفه اندیشه درنظر گرفته شود و برای این کار هر خوانشی که پیش از این بر او شده است، تا حد امکان و دسترسی بررسی شود؛ اینکه معنا گراست یا نقش گرا، اینکه ساخت گراست یا یافت گرا، اینکه اولین فرمالیست است یا پدر نقد ادبی جهان اسلام، همه به یک سوی نهاده شده و متن اصلی آثار در مرکز توجه قرار گرفته و تلاش شده است پیش پنداشت ها و پیش آگاهی های امروزمین

عبدالقاهر بن عبدالرحمان ابوبکر جرجانی، زبان شناس و ادیب ایرانی، در سده پنجم هجری و از نخستین پایه گذاران علم معنایی و بیان است. بسیاری، او را پدر دانش زبان شناسی اسلامی می دانند. زادگاه او در گرگان بوده است و هیچ گاه از زادگاه خود خارج نشده و در همان جا به تحصیل نزد استادان خود پرداخته است و شاگردان بزرگی چون احمد بن عبدالمهاادی، ابوالحسن علی بن محمد فصیحی، فضل بن اسماعیل تمیمی، محمد بن احمد ابیوردی، احمد بن ابراهیم شجری و خطیب تبریزی از تربیت کرده است.

کتاب «اسیمه های معنا، بازخوانی بخش هایی از دیدگاه های عبدالقاهر جرجانی، زبان شناس و نظریه پرداز ادبی در سده پنجم است، از این رو



کتاب

شناخت